

اطلاعات

# سیاسی - اقتصادی

۶۹-۷۰

ماهنامه سیاسی و اقتصادی - سال هفتم - شماره نهم و دهم - خرداد و تیر ۱۳۷۲ - ۱۱۶ صفحه - قیمت ۶۰۰ ریال

- رویارویی تمدن‌ها
- عبور از سرمایه‌داری: تعریفی تازه از سوسیالیسم
- مارکسیسم فلسفی: هورکهایمر - آدورنو - بنیامین
- مسئله دموکراسی
- بحران سوماتالی و مسئولیت جامعه بین‌المللی
- توحش صرب‌ها: یک فرضیه
- عربستان سعودی: نگاه به یمن
- وارونه نویسی در تاریخ - کشته شدن اتابک
- تأملی درباره جزیره قشم
- بازارهای مالی و سازمان‌های غیربانکی در اقتصاد ایران
- نقش دولت در توسعه اقتصادی ایران پس از جنگ
- توسعه پایدار از تئوری تا عمل
- خریداران نفت ایران
- مقدمه‌ای بر توسعه منابع انسانی در ایران
- سیاست خصوصی‌سازی در اقتصاد کشاورزی
- زندگی کوچ‌نشینان کشور و فرآیند تحول در شیوه اجتماعی - اقتصادی آن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

# خریداران نفت ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۰)

■ سیدحسین میرجلیلی

۱۲۹۲ تا سال ۱۳۱۲ استخراج کرد ۶۳۹۷۶۵۰۷ متریک تن و مجموع درآمد دولت ایران ۱۳۸۲۲۷۰ لیبره بود.<sup>(۳)</sup>

در طول ۱۰ سال اول بهره‌برداری از منابع نفت ایران، منافع شرکت ۴۸/۵ میلیون لیبره بود که ۹/۵ میلیون لیبره به عنوان سود سهام و بهره‌آوردی پرداخت شد و بقیه آن به سرمایه‌گذاری مجدد اختصاص یافت. دریافتی ایران نیز طی ۲۰ سال یاد شده حدود ۱۳٪ منافع خالص شرکت بود. بدون در نظر گرفتن سود تقسیم شده میان سهامداران، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در شرکت‌های تابعه، تحفیل زمان جنگ و منافع‌هایی که به دولت انگلیس به عنوان شریک پرداخت شد از جمله ۶/۵ میلیون لیبره در سال ۱۳۰۲ (شرکت نفت حدود ۴۹/۵ میلیون لیبره سود خالص داشت. درحالی‌که درآمد ایران طی همین دوره (۱۳۱۲-۱۲۹۲، حدود ۱۳/۸ میلیون لیبره بود.

شرکت نفت انگلیس و ایران هرگز به مهمترین ماده امتیاز «داری» عمل نکرد و آن پرداخت ۱۶ درصد از منافع شرکت و کلیه شرکت‌های تابعه آن به دولت ایران بود. شرکت با ترفندهای مالی بسیار و عدم امکان دولت ایران در حسابرسی شرکت و نظارت بر تولید، پالایش، صدور و قیمت‌گذاری نفت و به استفاده از معافیت‌های حقوقی گمرکی و مالیاتی، ضمن پرداخت مبلغی ناچیز به ایران از انتشار آثار توسعه صنعت نفت به داخل اقتصاد ایران به شدت جلوگیری به عمل آورد و این نقش تا ملی کردن صنعت نفت آشکارا توسط شرکت اجرا شد.<sup>(۴)</sup>

از دیگر موارد اختلاق، تحفیل عمده‌ای بود که شرکت بابت فروش نفت به دولت انگلستان در طول جنگ اول جهانی داد و این کار مستقیماً درآمدی را که به ایران تعلق می‌گرفت پائین آورد. درخواست دیگر ایران پرداخت مالیات بر درآمد توسط شرکت بود که هیچ منافاتی با مفاد قرارداد نداشت. افزایش تعداد کارکنان ایرانی که شرکت به شدت از آن جلوگیری می‌کرد، تضمین حداقل درآمد برای دولت، جلوگیری از نوسان درآمد نفت ایران توسط شرکت، کاهش حوزه شمولی امتیاز داری، رفع حق انحصاری حمل و نقل شرکت و سرانجام تأمین مصرف داخلی نفت ایران با عرضه فراوان و ارزان که نسبت به آن کوناه می‌شد از دیگر موارد اختلاف به شمار می‌رفت.<sup>(۵)</sup>

علاوه بر این موارد دو مسئله دیگر نیز باعث الغای امتیاز «داری» شد: **• اول** - قطع لوله نفت میان میدین نفتی و پالایشگاه آبادان که با خرابکاری غده‌ای در زمان جنگ اول جهانی صورت گرفت و شرکت با ادعای دریافت خسارتی در حدود ۶۱۲۰۰۰ لیبره تا پرداخت خسارت توسط دولت ایران از پرداخت حق الامتیاز خودداری کرد.

**• دوم** - قرارداد تفسیری «ارمیتاز اسمیت» که به تصویب مجلس نرسید. زیر در این قرارداد، شرکت کنشیرانی انگلستان که همه سهام آن به شرکت نفت انگلیس و ایران تعلق داشت و از محل استخراج و فروش نفت ایران ایجاد شده بود، از پرداخت حق الامتیاز به دولت ایران معاف شده بود.

مجموع این دلایل موجب لغو امتیاز داری و عقد قرارداد جدید شد.<sup>(۶)</sup>

بررسی ساختاری خریداران نفت ایران را می‌توان از دوره امتیازات آغاز کرد. در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی (۱۹۰۱ م) توسط مظفرالدین شاه امتیازی به «ویلیام ناکس داری» داده شد. به موجب این امتیاز اجازه تفحص و استخراج و آماده کردن و حمل و نقل و فروش گاز طبیعی و نفت و قیر و موم طبیعی و احداث خط لوله در تمام کشور به جز پنج ایالت شمالی که به اصطلاح در حریم امنیت روسیه قرار داشت برای ۶۰ سال به «داری» واگذار شد. صاحب امتیاز در عوض ۱۶ درصد از عواید خالص خود را به دولت ایران می‌پرداخت. در سال ۱۲۸۷ ش نخستین چاه در عمق ۳۶۰ متری و چاه دوه در عمق ۳۰۷ متری در ناحیه مسجد سلیمان به نفت رسید و مستبدکی امتیاز با مسئولیت محدوده (Concession Syndicate Limited) که در سال ۱۲۸۴ شرکت بهره‌برداری اولیه را در اختیار گرفته بود، در سال ۱۲۸۸ به شرکت «نفت انگلیس و ایران» تبدیل شد. در حقیقت «داری» امتیاز خود را به شرکت مزبور واگذار کرد.<sup>(۱)</sup>

در اواخر سال ۱۲۹۱ ش استخراج نفت به میزان رسید که نیازهای داخلی را تأمین می‌کرد. در چنین شرایطی اولین محموله نفتی ایران صادر شد. نخستین خریدار انحصاری نفت ایران «شرکت نفت انگلیس و ایران» بود که براساس قرارداد «داری» در سال ۱۲۸۸ ش با دو میلیون لیبره سرمایه در لندن آغاز به کار کرد. به این ترتیب، صدور نفت از ایران از سال ۱۲۹۲ ش آغاز شد. بررسی عملکرد شرکت به دو دوره تقسیم می‌شود:

- الف - دوره ۱۳۱۲ - ۱۲۹۲. (تحت عنوان امتیاز داری).
- ب - دوره ۱۳۳۳ - ۱۳۱۲. (تحت عنوان شرکت نفت انگلیس و ایران).

## ■ امتیاز داری

در سال ۱۲۹۳ دولت انگلستان به لحاظ اهمیت روزافزون نفت برای تأمین سوخت نیروی دریایی خود، ۵۶ درصد سهام شرکت را خرید. دو نفر تعییننده را با حق و تو نسبت به تصمیمات مربوط به سیاست مالی شرکت، به سمت اعضای هیئت مدیره آن منصوب کرد و به این ترتیب کنترل شرکت را به دست آورد. در حقیقت، امتیاز به دولت انگلستان منتقل شد. ضمناً انگلستان قراردادی برای تحویل سوخت به قیمت بسیار نازل و به مدت طولانی به نیروی دریایی خود با شرکت منعقد کرد. به طوری که نه تنها نیاز جنگی خود را به حد کافی برطرف ساخت، بلکه از رهگذر نفت ارزان، ۷/۵ میلیون لیبره نیز سود برد.<sup>(۱)</sup> برای تأمین نیاز انگلستان و سایر کشورهای صنعتی، ظرفیت ۱۲۰ هزار تنی پالایشگاه آبادان در قاصله کوتاهی به یک میلیون تن رسید و استخراج و صدور نفت به سرعت افزایش یافت. به طوری که استخراج نفت از ۴۳/۷۷۵ متریک تن در سال ۱۹۱۲ به ۶۵۴۹۲۴۴ متریک تن در سال ۱۹۳۳ رسید. به این ترتیب استخراج نفت ایران حدود ۱۵۰ برابر شده درآمد دولت ایران از ۴۶۸۷۱۸ لیبره در سال ۱۹۲۰ به ۱۵۲۵۳۸۳ لیبره در سال ۱۹۳۳ رسید. به عبارت دیگر درآمد ایران در ۱۳ سال مورد اشاره حدود ۳ برابر شد. مجموع نفتی که شرکت از سال



### ■ امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران

در سال ۱۳۱۲ قرار داد جدیدی میان دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران منعقد شد. بر پایه قرار داد جدید، حوزه امتیاز سابق به نصف کاهش یافت و کلیه حقوق و امتیازات شرکت در امتیازنامه، در محدوده کمتری نسبت به امتیاز قبلی ابقاء شد.<sup>(۱۷)</sup>

برداخت‌های شرکت به دولت ایران به موجب قرار داد ۱۳۱۲ عبارت بود از:  
 الف- حق الامتیاز از قرار تنی ۴ شیلینگ که چون به نسبت حجم بود از ترفی قیمت سهمی عاید ایران نمی‌شد. به علاوه شرکت از هر تن فروش نفت حدود ۲ لیره نفع می‌برد ولی آنچه به ایران می‌داد ۱٪ آن بود.

ب- مبلغی معادل ۲۰ درصد آنچه اضافه بر ۶۷۱۲۵۰ لیره به صاحبان سهام عادی سود پرداخت می‌شد که چون سود جزو بر پس از کسر مالیات بردارم انگلستان محاسبه و توزیع می‌شد در واقع انگلستان از عواید دولت ایران مالیات می‌گرفت. در حالی که بیشترین فعالیت و اموال شرکت نفت انگلیس و ایران در ایران قرار داشت و بایستی مشمول مالیات بردارم ایران می‌بود و نه انگلستان. ضمناً شرط شده بود که مجموع برداخت‌های مذکور در بندهای الف و ب از ۷۵۰۰۰۰ لیره در سال کمتر نباشد.

ج- شرکت تا ۳۰ سال از برداخت هر گونه مالیاتی معاف شد و در عوض ملزم به برداخت‌های دیگری شد که بر پایه طلا بود و چون قیمت واقعی طلا با برابری هر لیره مساوی ۱٪ اونس طلا تفاوت زیادی داشت، در نتیجه همیشه به ضرر ایران تمام می‌شد. هر چند طبق قرار داد جدید، علاوه بر ترتیب برداخت حق الامتیاز بر اساس تن شماری باید سهمی از منافع شرکت برای ایران منظور می‌شد اما سهم ایران تنها از سود شرکت مقرر و موضوع سهم بودن ایران در منافع شرکت‌های تابعه منتفی شد.

به علاوه دولت هیچ وسیله‌ای برای بررسی محاسبات و تحقیقات شرکت در معاملات عمده خود نداشت. افزایش عایدی ایران در این دوره تنها ناشی از افزایش حجم تولید و قیمت بود.<sup>(۱۸)</sup>  
 چرچیل جمع تخفیف‌هایی را که به خرید نفت از طرف نیروی دریایی انگلستان در طول مدت جنگ جهانی اول تعلق می‌گرفت ۷۵۰۰۰۰۰ لیره برآورده کرد که ۱۶٪ آن ۱۲۰۰۰۰۰ لیره می‌شود. حال آنکه شرکت از بابت کلیه مطالبات خود تا پایان مارس ۱۹۱۹ فقط یک میلیون لیره به دولت ایران برداخت کرد.

از سال ۱۳۱۲ تا آغاز جنگ جهانی دوم مقدار ناچیزی از نفت ایران به صورت خام و بقیه آن پس از آرایش در پالایشگاه آبادان به صورت فرآورده صادر شد.<sup>(۱۹)</sup>

در سال ۱۹۲۶ م با آنکه قیمت نفت تقریباً ۸ برابر و میزان استخراج تقریباً ۴ برابر شده بود، مجموع درآمد ایران از شرکت به ۹۱۲۶۷۲۰۰۰ ریال کاهش پیدا کرد.<sup>(۲۰)</sup>

از مقایسه سهم درآمد ایران از محل صادرات نفت می‌توان به این نتیجه رسید که در مدت ۳۹ سال موجودیت صنعت نفت، از ۱۲۹۲ تا ۱۳۳۰- شرکت رو بهم حدود ۳۳۸ میلیون تن نفت ایران را صادر و در مجموع حدود ۱۱۸ میلیون لیره به دولت ایران برداخت کرد که متوسط آن بابت هر تن نفت ۷ شیلینگ یا بشکه‌ای ۱۹ سنت بود.

شرکت نفت انگلیس و ایران با ۲۱/۶ میلیون لیره سرمایه گذاری که ۵ میلیون لیره آن را دولت انگلستان برداخته بود ۱۱۵ میلیون لیره به سهامداران از جمله ۲۹ میلیون لیره به دولت انگلستان بابت سود سهام برداخت. شرکت همچنین ۱۷۵ میلیون لیره بابت مطالبات خود به دولت انگلستان برداخت. در همین دوره با ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون لیره سرمایه گذاری در موسسات تابعه خود ۸۰۰ میلیون لیره سود برد. به عبارت دیگر در این مدت از درآمد صادرات نفت ایران، ۲۸ درصد به دولت انگلستان، ۵۸ درصد به شرکت نفت انگلیس و ایران و ۱۴ درصد به دولت ایران تعلق گرفت.<sup>(۲۱)</sup>

به علاوه شرکت نوعی حکومت در داخل حکومت ایران ایجاد کرد و هر جا نفعی در منافع ایران و انگلستان پیدا می‌شد منافع انگلستان را مقدم می‌شمرد. در مورد کاهش تعداد کارکنان خارجی نیز اقدامی به عمل نیامده بود. مجموعه این عوامل سبب خلق بد از شرکت نفت انگلیس و ایران و تصویب قانون ملی کردن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰ شد.

### ■ خریداران نفت ایران طی سالهای ۱۳۳۰-۳۲

با تصویب قانون ملی کردن صنعت نفت و خلع به از شرکت نفت انگلیس و ایران، شرکت سابق مقابله جدی را با دولت وقت آغاز کرد. طی ۲۷ مه و تیم دوام دولت وقت، این شرکت با همکاری دیگر اعضای کنترول بین‌المللی نفت با تجربه نفت ایران شرایط سقوط دستش را فراهم ساخت و سرانجام در ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ با کودتای نظامی دولت میس فقط شد.

در واقع شرکت نفت انگلیس و ایران ترتیبی داد که کلیه مشتریان شرکت، بر پایه فرآورده‌های گذشته، نفت مورد نیاز خود را از منابع دیگر دریافت کنند. در مرحله بعد، فرانس شرکت استخراج نفت کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس طرف بلد سال از ابتدای ملی شدن صنعت نفت، کمبود نفت ایران در بازار جهانی کاملاً برطرف شد.<sup>(۲۲)</sup>

به طوری که استخراج نفت ایران از ۲۴۲۲۷۵ هزار بشکه در سال ۱۹۵۰ به ۲۱۵۰۰ هزار بشکه در سال ۱۹۵۲ کاهش یافت. اما استخراج نفت عراق، کویت، بحرین، قطر و عربستان به ترتیب از ۲۹۷۲۶، ۱۲۵۷۲۲، ۱۱۰۱۶، ۱۲۲۶۸ و ۱۹۹۵۴۷ بشکه در سال ۱۹۵۰ به ۳۲۸۴۲۲، ۳۴۷۳۱۹ و ۱۰۹۹۲ و ۳۴۶۵۰ و ۳۴۷۸۴۵ در سال ۱۹۵۲ افزایش یافت.<sup>(۲۳)</sup>

شرکت ملی نفت ایران از روز تاسیس درصدد برآمد مطالعاتی را برای صدور نفت به خارج انجام دهد. هر چند قسمت اعظم تاسیسات نفت جنوب تعطیل شده بود، اما شرکت می‌توانست با استفاده از وسایل خود و بدون کمک

## سیاسی-اقتصادی

خارجی در حدود سالی هفت تا ده میلیون تن نفت استخراج و تصفیه کند. بنابر این برای پیدا کردن خریدار کوشش فراوانی می‌کند. این در شرایطی بود که دولت انگلستان و شرکت سابق برای جلوگیری از فروش نفت ایران در همه کشورهای امداماتی به عمل می‌آوردند. دولت ایران برای جلب مشتری حاضر شد تسهیلات عمده‌ای در زمینه اعطای تخفیف در قیمت، قبول معاملات نهائی و تعهد جبران خسارات ناشی از کارشکنی‌های شرکت سابق قائل شود. در مورد قیمت، دولت طی سال ۱۳۳۰ آمادگی خود را برای اعطای تخفیف تا میزان ۵۰ درصد از بهای رسمی اعلام کرد.

شرکت سابق بیای خریداران احتمالی نفت ایران را تهدید می‌کرد. به همین جهت هیچ معامله‌ای در سال ۱۳۳۰ صورت نگرفت. در آغاز سال ۱۳۳۱ نخست وزیر وقت در زمینه فروش نفت اظهار عجز کرد. شرکت نفت سابق با استفاده از نیروی دریایی انگلستان مانع موفقیت اقدامات ایران در فروش نفت شد. حتی کوشش در فروش نفت ارزان‌تر از قیمت بین‌المللی (۵۰ درصد) به شرکت‌های ژاپنی و ایتالیایی نیز عقیم ماند. طی چندین روز سال و نیم تلاش برای فروش نفت، روی هم تنها ۱۲۰ هزار تن نفت به ارزش ۱/۸۶ میلیون دلار فروخته شد. در حالی که تنها در سال ۱۳۲۹ صادرات نفت ایران ۳۱/۷ میلیون تن یا بیش از ۴۰۰ میلیون دلار درآمد بود. در ایجاد چنین شرایطی، نداشتن ناوگان نفتکش از عوامل اساسی به شمار می‌رفت.

ابتدا دولت بر اساس ماده ۷ قانون ملی کردن صنعت نفت برای فروش نفت تنها به کشورهای غربی و شرکت‌های نفتی توجه داشت و به پیشنهاد کشورهای لهستان، چک و اسلواکی و مجارستان مبنی بر خرید نفت ایران وقتی نهاد. اما پس از وخیم شدن اوضاع اقتصادی، با لغو ماده ۷ از کلیه کشورهای بلوک شرق برای خرید نفت ایران دعوت به عمل آمد. اما کشورهای مورد اشاره از خرید نفت ایران خودداری کردند و بی‌نیاز بودن از نفت ایران و نداشتن وسیله حمل را به عنوان توجیه این عمل خود ارائه دادند.

در چندین مورد پیشنهاد دهندگان دولتها بودند. از جمله افغانستان که قصد داشت در حدود سالی ۴۰ هزار تن مواد نفتی خریداری کند همچنین مذاکراتی برای خرید ۸۰ هزار تن مواد نفتی از طرف مصر صورت گرفت. در آغاز سال ۱۳۳۱ نیز قراردادی با دولت هند برای فروش نفت منعقد شد. دولت ترکیه نیز ظاهراً قصد خرید نفت از ایران را داشت. اما در همه این موارد مداخله دولت انگلستان و شرکت سابق مانع انجام معامله شد.

### ■ سومین خریدار نفت ایران (کنسرسیوم ۱۳۳۳)

به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گروهی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی که در آن زمان بر نفت خاورمیانه تسلط داشتند به عنوان خریداران انحصاری نفت ایران ظاهر شدند و قراردادی برای خرید نفت و گاز با دولت وقت ایران منعقد کردند.

به موجب قرارداد فروش نفت و گاز با کنسرسیوم، اعضای کنسرسیوم (شرکت‌های بازرگانی) نفت و گاز حوزه قرارداد را سرچاه به بهای تمام شده از شرکت ملی نفت ایران خریداری می‌کردند. نفت خریداری شده سپس به همان صورت با پس از تبدیل به محصولات تصفیه شده در ایران از نقطه صدور با بهای اعلان شده به فروش می‌رفت و پس از کسر مخارج، نیمی از سود ویژه به عنوان مالیات به دولت ایران پرداخت می‌شد.

در قرارداد کنسرسیوم حوزه عملیات تقریباً منطبق بر حوزه عملیات شرکت سابق نفت بود و مدت آن از تاریخ اجراء ۲۵ سال با امکان تمدید در سه دوره پنج ساله بیش پیشی شده بود. مبنای قرارداد مذکور بر اساس اصل ۵۰۵ دستورالعمل بود.<sup>(۱۳۱)</sup>

کنسرسیوم متشکل از شرکت‌های نفتی آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی بود. لذا ایران به جای یک خریدار انحصاری از این پس با ۸ شرکت خارجی و ۴ دولت طرف می‌شد. به عبارت دیگر نوعی انحصار چندگانه خرید دربرداشت نفت ایران بوجود آمد. شرکت نفت انگلیس و ایران که به عنوان نخستین متقاضی نفت ایران ظاهر شده بود به شرکت نفت انگلیس تغییر نام یافت.<sup>(۱۳۲)</sup>

جدول شماره ۱: فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی به شرکت‌های ایتالیایی و ژاپنی طی سالهای ۳۲-۱۳۳۰

عنوان	مقدار فروش (تن)
کشتی رزماری	۶۰۰
کشتی میریلا (۳ سفر)	۱۵۰۰۰
کشتی آلیا (۲ سفر)	۲۲۰۰۰
کشتی سالسو	۱۲۰۰۰
کشتی نیشومارو (۳ سفر)	۵۴۰۰۰
جمع	۱۰۴۶۰۰ تن

● ملاحظه روحانی-فراد، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، (۱۳۵۲) ص ۲۰۲.

جدول شماره ۲: استخراج و صادرات نفت ایران طی سالهای ۵۶ - ۱۳۵۲ (میلیارد بشکه)

سال	شرح
۱۳۵۲	۲/۲
۱۳۵۳	۲/۲
۱۳۵۴	۱/۸
۱۳۵۵	۲/۲
۱۳۵۶	۲
صادرات	۱/۹
	۱/۹
	۱/۷
	۱/۷

● ملاحظه: ابراهیم رزایی، اقتصاد ایران (تهران، نشر نی، ۱۳۶۷)، ص ۲۵۵.

در امتیازنامه ۱۳۱۲ که درآمد دولت ایران از نفت بر اساس حق الامتیاز محاسبه می‌شد، نوسانات قیمت‌های اعلان شده نفت خام و فرآورده‌های نفتی برای دولت ایران چندان اهمیتی نداشت، اما در قرارداد فروش نفت و گاز سال ۱۳۳۳ که بر اساس اصل تصفیه منافع منعقد شد، قیمت‌های اعلان شده مهمترین عامل تعیین کننده درآمد دولت ایران را تشکیل می‌داد.

در این قرارداد به خواسته مردم ایران مبنی بر دستیابی به بازار مصرف تا ۱۲/۵ درصد میزان استخراج امکان داده شد. اما چون ایران امکان بازاریابی نداشت قیمت آنرا از کنسرسیوم دریافت می‌کرد. طی سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۷، کل درآمد نفت حاصل از حوزه عملیات کنسرسیوم معادل ۱۶۴۲۹۲۶۴۸۸ لیره بود که پرداخت مشخص ۴۲۸۲۵۲۰۸۳ لیره و مالیات شرکت‌های عامل نفت ایران بالغ بر (۲۲۲۳۱۱۲) لیره می‌شد.<sup>(۱۳۳)</sup>

در همین مدت کنسرسیوم بیش از ۱۳۳۵۹۲۲ هزار لیره در شرکت تصفیه و شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران سرمایه‌گذاری کرد.<sup>(۱۳۴)</sup> مجموع استخراج و صادرات نفت ایران توسط کنسرسیوم به ترتیب از رقم ۱۱/۷ و ۱۱/۱ در سال به ۲۱۳۹/۳ و ۱۷۰۱/۸ میلیون بشکه در سال ۱۹۷۳ افزایش یافت.<sup>(۱۳۵)</sup>

طی ۲۰ سال اجرای قرارداد نفتی سال ۱۳۳۳ با کنسرسیوم، کلیه عملیات استخراج، بالایش و فروش نفت ایران، تعیین میزان استخراج و صادرات و حتی اختیار قیمت گذاری نفت که مبنای تعیین مالیات دولت ایران و بهره مالکانه دریافتی بود، به دست کنسرسیوم بود. همچنین انتخاب خریداران نهایی نیز با موافقت کنسرسیوم صورت می‌گرفت.<sup>(۱۳۶)</sup>

تا اوایل سال ۱۹۶۳ بهره مالکانه قسمتی از پنجاه درصد غواید بود. اما با الحاق‌های بهره مالکانه از مالیات بر درآمد جدا شد. تصمیمات یک جانبه کنسرسیوم در کاهش قیمت اعلان شده در فوریه سال ۱۹۵۹ و اوت سال ۱۹۶۰ باعث تشکیل سازمان «اوپک» توسط پنج کشور صادر کننده نفت یعنی ایران، عربستان، کویت، ونزوئلا و عراق شد.<sup>(۱۳۷)</sup>

**خریداران نفت فلات قاره ایران**

با تصویب قانون نفت در مهرماه سال ۱۳۳۶، هشت قرارداد برای بهره‌برداری از مناطق فلات قاره ایران منعقد شد که اصطلاحاً قراردادهای ۷۵.۲۵ نام گرفت. زیرا انتظار می‌رفت حدود ۷۵٪ از کل درآمد فروش نفت پس از کسر هزینه‌های اکتشاف و استخراج عاید ایران شود. اما از آنجا که ایران کنترلی روی عملیات بازاریابی و فروش نفت شرکت‌های طرف دوم قرارداد نداشت، میزان درآمد توسط هر بشکه نفت صادراتی از قرارداد کنسرسیوم کمتر بود.

در این قراردادها عملیات اکتشاف، حفاری و استخراج بوسیله شرکت مختلط و به‌عبارت شرکت ملی نفت ایران صورت می‌گرفت و سپس با بازاریابی شرکت مختلط نفت صادر می‌شد. در این میان شرکت‌های «سیرپ»، «ایباله»، «لاپکو» و «ایمیتوکو» موفق به کشف و استخراج نفت شدند. عملیات حفاری «سیرپ» منجر به کشف نفت قابل ملاحظه‌ای در نواحی «کوه‌ریگ» و «درو» واقع در جبال زاگرس شد. میزان استخراج نفت توسط شرکت در سال ۱۳۳۸ به ۱/۵۵ میلیون متر مکعب رسید که نسبت به سال ۱۳۳۷، ۲۷/۶ درصد افزایش داشت.<sup>(۱۳۱)</sup>

در ماده ۱۲ قرارداد کلیه تعهدات و قراردادهای فروش نفت خام به عهده «سیرپ» گذاشته شده بود تا نفت استخراج شده را به طریق فوب (F.O.B) به فروش برساند.<sup>(۱۳۲)</sup>

«ایباله» در سال ۱۳۳۸ حدود ۶ میلیون متر مکعب نفت خام استخراج کرد که بخشی از نیازهای پالایشگاه «مدرس» هندوستان را تأمین می‌کرد.<sup>(۱۳۳)</sup> مسئولیت اصلی صدور و فروش نفت تولیدی در مواد ۲۱ و ۲۲ قرارداد به عهده «ایباله» بود.

**کنسرسیوم دوم (پنجمین گروه شرکت‌های نفتی خریدار نفت ایران)**

قرارداد با کنسرسیوم جدید شرکت‌های نفتی در سال ۱۳۵۲ منعقد شد. طرفهای قرارداد جدید کنسرسیوم عبارت بودند از: ۸ شرکت اصلی تشکیل دهنده کنسرسیوم سال ۱۳۳۳، ۶ شرکت مستقل آمریکایی که بعد از شرکت‌های اصلی عضو کنسرسیوم شدند و چهارده شرکت بازرگانی که برای خرید و صدور سهم نفت خود در ایران تأسیس شدند. بنابراین مجموعاً ۲۸ شرکت چند ملیتی خریدار نفت ایران شدند.<sup>(۱۳۴)</sup>

مدت قرارداد بیست سال (تا سال ۱۳۷۲) در نظر گرفته شده بود. بر طبق ماده ۲۰، اعضای کنسرسیوم و شرکت‌های بازرگانی و همچنین شرکت‌های وابسته و خریداران هر یک از آنها آزادی کامل داشتند تا نفت خام خریداری شده و فرآورده‌های آنرا برای صدور به هر کس و به هر قیمت که شخصاً تصمیم بگیرند واگذار کنند.

بر همین اساس هر گونه نظارت بر فروش نفت توسط ایران منع شد و نفت ایران به آفریقای جنوبی و اسرائیل فروخته شد. طبق همین ماده، خریدار، وسایل حمل نفت را خود انتخاب می‌کرد و به همین جهت ناوگان نفتکش ایران غلبه‌ی صدور روزانه ۶ میلیون بشکه نفت، در مواردی بی‌کاز و غیرفعال باقی ماند.<sup>(۱۳۵)</sup> طی پنج سال اجرای قرارداد ۱۳۵۲ استخراج نفت ایران ۱۰/۵ میلیارد بشکه بود که از این مقدار ۹/۱ میلیارد بشکه به صورت خام توسط کنسرسیوم و شرکت‌های مختلط صادر شد.

مقایسه میزان استخراج پنج سال دوره مورد بررسی (۱۰/۵ میلیارد بشکه) با مجموع تولید ۵۶ سال پیش از آن (۱۶/۶ میلیارد بشکه) بیانگر سرعت و شدت تخلیه منابع نفتی ایران در مدتی کوتاه است.

طی مدت پنج سال (۱۳۵۲-۵۶) درآمد دولت ایران به ترتیب: ۱۸/۵، ۱۲/۸، ۱۸/۹، ۲۰/۷ و ۲۰/۵ میلیارد دلار بود که رو به هم در این پنج سال ۹۳/۴ میلیارد دلار درآمد کسب شد. چنین درآمدی ناشی از دو علت: افزایش شدید تولید و افزایش قیمت نفت بود.

در مدت اجرای قرارداد، میزان فروش و تعیین بازار، کاملاً در اختیار کنسرسیوم بود. به این معنی که میزان صدور از طرف کنسرسیوم برابر نیاز اعضای آن تعیین و هر ساله به شرکت ملی نفت ایران اطلاع داد. می‌شد. طریق دیگر فروش نفت ایران، صدور فرآورده‌های نفتی مازاد بر مصرف

■ در دوره ۱۳۳۰-۱۳۹۲ بابت هرتن نفت صادراتی کشور توسط شرکت نفت انگلیس و ایران (۳۳۸ میلیون تن) به طور متوسط ۷ شیلینگ (بشکه‌ای ۱۹ سنت) عاید دولت ایران شد.

■ با تصویب قانون ملی کردن صنعت نفت و خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۳۳۰، مقابله جدی با دولت وقت و تلاش برای سرنگونی آن از سوی شرکت و اعضای کارتل بین‌المللی نفت آغاز شد.

■ در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گروهی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی (کنسرسیوم) به عنوان خریداران انحصاری نفت، قراردادی برای خرید نفت و گاز با دولت وقت ایران منعقد کردند.

■ بر پایه قرارداد سال ۱۳۳۳، طی ۲۰ سال کلیه عملیات استخراج، باالایش و فروش نفت، تعیین میزان استخراج و صادرات، قیمت‌گذاری و انتخاب خریداران نهایی توسط کنسرسیوم صورت می‌گرفت.

■ به موجب قرارداد جدید نفتی با کنسرسیوم در (سال ۱۳۵۲) ۲۸ شرکت چند ملیتی خریدار نفت ایران شدند.

داخلی بود که طبق قرارداد کنسرسیوم، توسط شرکت‌های نفتی در بازارهای بین‌المللی انجام می‌شد. اما کنسرسیوم از سال ۱۳۵۶ به بهانه اینکه عملیات صدور و فروش فرآورده پالایشگاه آبادان با خنثی انجام می‌شود، از ادامه این کار خودداری کرد و ایران به ناچار صدور و فروش اینگونه فرآورده‌ها را راساً به عهده گرفت.

**فروش مستقیم توسط شرکت ملی نفت ایران**

فروش مستقیم از میادین فلات قاره:

به دنبال انعقاد قراردادهای مشارکت میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت ایتالیایی «آجیپ» برای نخستین بار در سال ۱۳۳۶ (۱۹۵۷ م)، تشکیل شرکت مختلط «سیرپ» پس از آن عقد قرارداد با شرکت آمریکایی «هان آمریکن» در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸ م) و تشکیل شرکت مختلط «ایباله»، اولین معامله نفت خام «بهرگانس» هندوچان و نوزاد از میدان نفتی مکتشفه توسط «سیرپ» واقع در فلات قاره خلیج فارس و کمی بعد از آن، نفت خام «درو» از میدان نفتی مکتشفه توسط «ایباله» در سال ۱۹۶۴ مستقیم توسط شرکت ملی نفت به اسرائیل (شرکت بول) صادر شد.

به این ترتیب طی سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸ دو نوع نفت خام به صورت فروش مستقیم شرکت ملی نفت از منطقه فلات قاره و چه مناطق نفت خیز جنوب) به اسرائیل و آفریقای جنوبی (شرکت فری کیت) و از آنسوی دولتی نفت آرژانتین (شرکت وای - بی - اف) صادر شد.<sup>(۱۳۶)</sup> با انعقاد قراردادهای مشارکت دیگر با سه شرکت «آجیپ»، «فیلیپس» (آمریکایی) و I.O.C (هندی) و تشکیل شرکت مختلط نفت بین‌المللی دریایی ایران (ایمیتوکو) در سال ۱۹۶۵ و با چهار شرکت آمریکایی «آرکو»، «مورفی»، «سان» و «یونین» و تشکیل شرکت مختلط نفت «لاوان» (لاپکو) در همین سال، در سال ۱۹۶۹ اولین محموله نفت خام «سلمان» از میدان نفتی مکتشفه توسط شرکت «لاپکو» و سپس در سال ۱۹۷۲ اولین محموله نفت خام «رستم» از میدان نفتی مکتشفه توسط شرکت «ایمیتوکو» و همچنین نفت خام «سروش» متعلق به میدان نفتی مکتشفه توسط «ایباله»، مستقیماً توسط شرکت ملی فروخته شد.

## سیاسی-اقتصادی

بعدها در سال های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۷ به ترتیب نفت خام های «فروزان» و «ابودره» از میدان نفتی مکشوفه توسط «ایپاک» به لیست نفت خام فروش مستقیم شرکت ملی اضافه شد.

بر اساس این قرارداد های مشارکت ۵۰ درصد نفت خام استخراج شده متعلق به شرکت ملی نفت ایران بود.

بخش اعظم صادرات مستقیم نفت خام توسط شرکت ملی نفت ایران طی سال های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۸ علاوه بر اسرائیل و آفریقای جنوبی به پالایشگاه مورد مشارکت «مدرس» (از ۱۹۶۹) و باره ای از خریداران اروپای شرقی، اروپای غربی، آمریکا و ژاپنی فروخته شده است.

### فروش مستقیم نفت خام مناطق حوزه عملیات کنسرسیوم ۱۳۳۳

با انعقاد قرارداد فروش نفت و گاز با کنسرسیوم متشکل از ۱۴ شرکت نفتی بین المللی در سال ۱۳۳۳ (۱۹۵۴م) بر اساس مواد مصرح در این قرارداد ۲/۵ درصد از نفت خام استخراج شده به عنوان حق الارض (بهره مالکانه) به ایران تعلق می گرفت که می توانست آن را از کنسرسیوم تحویل گرفته و خود راساً به صدور آن اقدام و یا بهای آن را بر اساس قیمت های اعلان شده از کنسرسیوم دریافت کند.

با گسترش روابط تجاری ایران با کشورهای اروپای شرقی در سال ۱۹۶۷ حدود ۲۰ میلیون تن نفت خام حوزه عملیاتی کنسرسیوم (سبک و سنگین صادراتی) در اختیار شرکت ملی نفت قرار گرفت تا با معاملات نهائی به این کشورها صادر شود. کنسرسیوم در این کشورها فعالیت نفتی نداشت و ورود ایران به این بازار، زمانی متوجه منافع آن نمی کرد. حتی با فرض ورود ایران به این بازار، هیچگونه دوامد ارزی عاید ایران نمی شد.

به این ترتیب صادرات مستقیم انواع نفت خام ایران از حوزه کنسرسیوم ۱۳۳۳ عملاً از سال ۱۹۶۸ به کشورهای اروپای شرقی به ویژه رومانی آغاز شد و تا سال ۱۹۷۲ (به جز یکی دو مورد به آفریقای جنوبی) مختصراً به کشورهای اروپای شرقی اختصاص یافت.<sup>(۳۳)</sup>

از این بابت در سال ۱۹۶۸ جمعاً ۲/۴ میلیون بشکه و در سال های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ به ترتیب به طور متوسط روزی ۳۰۹۵۸ بشکه، ۴۹۲۴۱ بشکه و ۴۲۷۵۹ بشکه و ۴۲۱۱۵ بشکه نفت فروخته شد.

تحویل ۲۰ میلیون تن نفت خام از کنسرسیوم به ایران تابع شرایط زیر بود:<sup>(۳۴)</sup>

- ۱- نفت بایستی تنها به کشورهای اروپای شرقی صادر می شد.
  - ۲- مقصود از کشورهای اروپای شرقی چک و اسلواکی، لهستان، رومانی، بلغارستان، مجارستان بود.
  - ۳- نفت باید در کشورهای خریدار تصفیه می شد.
  - ۴- فروش به این کشورها باید به صورت مبادله پایبندی انجام می گرفت.
  - ۵- برگرداندن نفت به ایران به صورت خام و فرآورده مجاز نبود.
- به این ترتیب تحویل نفت به ایران توسط کنسرسیوم با شرایط آسارت باری همراه بود.

در سال ۱۳۴۸ قرارداد تحویل ۵ میلیون تن نفت خام به پاکستان به امضاء رسید. سایر فروش های پایبندی شرکت ملی نفت ایران که به غیر از کشورهای اروپای شرقی فروخته شد عبارت بود از: آرژانتین در ازای دریافت گوشت، اسپانیا در ازای دریافت لوازم الکتریکی و تونس و مراکش در ازای دریافت فسفات.

خریداران شرکت ملی نفت ایران و نحوه بازاریابی صادرات مستقیم انواع نفت خام (درود، بهرگاتسرو توروژ) در سال ۱۹۶۴ با فروش به اسرائیل آغاز شد و به تدریج میزان فروش به اسرائیل افزایش یافت تا جایی که در سال ۱۹۷۸ به حدود ۲۴ درصد از کل فروش شرکت ملی نفت بالغ شد.

با سرمایه گذاری شرکت ملی نفت ایران در خارج از کشور، صدور نفت خام «درود» به پالایشگاه مدرس (هندوستان) با حجم روزانه حدود ۲۸ هزار بشکه از سال ۱۹۶۹ شروع و بدنبال آن تحویل نفت خام «سلمان» به پالایشگاه «سائولبرگ» (آفریقای جنوبی) با حجم روزانه حدود ۶۰ هزار بشکه از سال ۱۹۷۱ آغاز شد.

جدول شماره ۳: چگونگی تقسیم ۲۰ میلیون تن فروش مستقیم نفت ایران میان کشورهای اروپای شرقی

نام کشور	میزان خرید - عت
رومانی	۳٪
چکسلواکی	۵ میلیون تن
لهستان	۳٪
بلغارستان	۳٪
مجارستان	۳٪

● مازدا، اگری، حسین، قرارداد های نفتی، قیمت و درآمد نفت، تهران: چاپخانه کارین، ۳۴۲ ص.

جدول شماره ۴: میزان فروش شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم طی سال (۱۳۵۲-۵۷)

سال	فروش شرکت ملی نفت ایران	فروش کنسرسیوم	درصد فروش شرکت ملی نفت ایران به کل فروش
۱۳۵۲	۱۴۵	۴۶۶۰	۳
۱۳۵۳	۲۲۵	۴۶۵۵	۵
۱۳۵۴	۳۰۵	۳۹۲۰	۷
۱۳۵۵	۸۵۵	۳۸۹۰	۱۸
۱۳۵۶	۱۱۳۵	۳۲۱۰	۲۶
۱۳۵۷	۱۱۶۵	۲۶۹۵	۳۰

● مازدا، شرکت ملی نفت ایران، بازاریابی نفت خام ایران، امور بین المللی وزارت نفت ۱۳۴۲ ص. ۷۰.

فروش مفاد ببری نفت خام قلات قاره از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۲ به بازه ی شرکت ها همانند شرکت های اروپایی «سپسا» (اسپانیا) در سال ۱۹۶۹، «سنه» (فنلاند) در سال ۱۹۷۲ و شرکت ژاپنی «میتسوبیشی» در سال ۱۹۶۹، شرکت آمریکایی «شورون» در سال ۱۹۶۹ و شرکت پاراگوئه ای «درسا» (پالایشگاه در سال های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ انجام گرفت.

با انعقاد قرارداد کنسرسیوم دوم (۱۳۵۲) خریداران زیر در لیست فروش مستقیم شرکت ملی نفت ایران قرار گرفتند:

- شرکت های ژاپنی: «دایکیو»، «کانامتسو» و «میتسوبیشی» از سال ۱۹۷۲.
- «نیشوابایی» و «سومیتومو» از سال ۱۹۷۲.
- «شیواویل» از سال ۱۹۷۶
- شرکت های اروپایی غربی: قیلیپ برادرز (سوئیس) از سال ۱۹۷۳، مارک ریچ (سوئیس) از سال ۱۹۷۵، پتروگال (پرتغال) از سال ۱۹۷۶، آجیب اینتالیم بیانتی (ایتالیا) از سال ۱۹۷۶، پتروفینا (بلژیک) از سال ۱۹۷۷، سی - اف - بی (فرانسه) از سال ۱۹۷۸.
- شرکت های آمریکایی: شرکت های «امرادامس»، «آشلند»، «آرکو»، «سان اویل»، «کستال استیت»، «کوخ مورفی»، «گراندهاها»، «اموکو» و «فیلیپس پترولیوم»
- کشورهای آسیایی: پاکستان از سال ۱۹۶۳، ترکیه از سال ۱۹۷۸.

■ تصمیمات يك جانبه كنسرسیوم در کاهش قیمت اعلان شده در فوریه سال ۱۹۵۹ و اوت سال ۱۹۶۰ باعث تشکیل سازمان «اوبك» توسط پنج کشور صادر کننده نفت - ایران، عربستان، کویت، ونزوئلا و عراق - شد.

■ از حدود ۵/۱۰ میلیارد بشکه نفت استخراج شده در طول ۵ سال اجرای قرارداد سال ۱۳۵۲، ۹/۱ میلیارد بشکه به صورت خام، توسط کنسرسیوم و شرکت های مختلط صادر شد.

«بی. پی.» (B.P.)، «شل» (Shell) و «گلف» (Gulf) که از خریداران عمده نفت ایران بودند به عقد قراردادهای کوتاه مدت با کویت و عربستان و عراق پرداختند و در عین حال میزان تحویل نفت خام به مشتریان خود را نیز کاهش دادند. به طوری که در عمل نه تنها این کاهش جریان شد بلکه کل عرضه نفت جهان در سال ۱۹۷۹ نیز حدود ۲/۲ درصد افزایش یافت که این عمل خود آغازی برای ذخیره سازی زیاد کشورهای غربی بود.<sup>(۳۱)</sup>

با وقوع جنگ میان ایران و عراق و کاهش مجدد صادرات نفتی هر دو کشور بازار جهانی نفت بار دیگر برای مدتی، دستخوش نابسامانی شد و نگرانی ناشی از احتمال بسته شدن تنگه هرمز و قطع صادرات نفت از منطقه خلیج فارس، به افزایش قیمت آن در بازارهای تک محموله انجامید. اما روند صعودی قیمت نفت پیش از دو ماه دوام نیاورد و با تصمیم کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی مبنی بر افزایش تولید و نیز اقدام کشورهای عمده مصرف کننده نفت در جهت صرفه جویی انرژی و خودداری از خرید نفت در بازارهای تک محموله<sup>(۳۲)</sup> موجب شد تا افزایش قیمت های رسمی اوبك چندان محسوس نباشد.

طی سالهای ۱۹۷۸-۱۹۷۹ اشباع بازار، قیمت نفت را در بازارهای رسمی پایین آورد. کشورهای صادر کننده عضو اوبك بمنظور مقابله با کاهش قیمت ابتدا يك سقف تولید كلي برای اوبك در بازار جهانی تعیین کردند و سپس با سهم بندی در میان اعضا، به مبارزه با کاهش قیمت ها پرداختند.<sup>(۳۳)</sup>

این سیاست تا دسامبر ۱۹۸۵ رعایت می شد. در فاصله کنفرانس ۷۵ و ۷۶ اوبك حجم معاملات «تنگه»<sup>(۳۴)</sup> که براساس قیمت فروش فرآورده های نفتی انجام می شود افزایش یافت و بازار نفت تحت فشار اینگونه معاملات قرار گرفت و از قیمت های تک محموله تا حدودی گامته شد.

پس از سال ۱۹۸۶ (سال جنگ قیمت ها) بازار نفت بتدریج استحکام خود را بدست آورد و با رعایت نسبی سهمیه های تعیین شده اعضای اوبك در اجلاس ۱۹۸۹ و کنترل عرضه سایر صادر کنندگان نفت غیر اوبك انتظار می رفت قیمت ها در دهه ۱۹۹۰ در سطح قبل قلمری تثبیت شود.

### ■ خریداران نفت ایران پس از انقلاب

تا پیش از انقلاب اغلب خریداران نفت ایران همان استخراج کنندگان آن بودند. به بروزی انقلاب، فرود کنسرسیوم ملغی شد و از ۱۴ اسفند ماه سال ۱۳۵۷ کلیه امور صنعت نفت را شرکت ملی نفت ایران در اختیار گرفت.

علاوه بر حوزه عملیات کنسرسیوم، با ملی شدن دیگر شرکتهای مختلط نفت شامل «سریپ»، «لاکوه»، «ایبانه» و «ایمنوکوه» و شرکت بیمه نگاری «سوقیران»، حوزه عملیات، امور تولید و صادرات آنها در اختیار وزارت نفت قرار گرفت.<sup>(۳۵)</sup>

سرانجام از سال ۱۳۵۸ مسئولیت کلیه عملیات نفتی از اکتشاف تا فروش و صادرات نفت در تمام مناطق ایران از جمله در منطقه نفت شهر، مناطق نفت خیز جنوب (حوزه کنسرسیوم سابق) و مناطق فلات قاره ایران به وزارت نفت واگذار شد.

به فاصله کوتاهی پس از انقلاب، استخراج نفت خام از میادین نفتی برای

هندوستان از سال ۱۹۷۴.

بنگلادش از سال ۱۹۷۵.

چین از سال ۱۹۷۵.

• کشورهای آمریکای لاتین؛

برزیل (پتروبراس) از سال ۱۹۷۳.

شیلی (اناب) از سال ۱۹۷۶.

• کشورهای آفریقایی؛

مراکش از سال ۱۹۷۳.

مصر از سال ۱۹۷۵.

علاوه بر این موارد طی سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ مقادیری نفت خام برای انجام تعهدات مربوط به اجرای پروژه های نظامی، صنعتی و خرید تجهیزات جنگی به فروش رفت.

اصولاً می توان گفت در هیچ مقطعی طی سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۸ بازارهای به مفهوم واقعی از سوی شرکت ملی نفت اعمال نشد و با اگر اقداماتی صورت گرفت بسیار محدود بود.

طی سال ۱۹۶۲ کشورهای صنعتی پیشرفته شامل:

منطقه آمریکای شمالی، اروپای غربی، ژاپن، استرالیا و اقیانوسیه و آفریقای جنوبی معادل ۹۱۱/۶۵۲ هزار بشکه در روز از ایران نفت خریداری کردند در سال ۱۹۷۳ میزان خرید نفت ایران توسط این کشورها و مناطق معادل ۲۴۸۵/۳ هزار بشکه در روز بود که رشدی حدود ۵۰۰ درصد را نشان می داد.

در سال ۱۹۶۲ کشورهای در حال توسعه خریداران نفت ایران شامل هندوستان، پاکستان، سایر کشورهای خاورمیانه، آمریکای لاتین و آفریقا (به جز آفریقای جنوبی) به میزان ۱۱۹/۵۴۲ هزار بشکه در روز از ایران نفت خریداری کردند. در این سال خرید کشورهای صنعتی قریب ۹۰۰ درصد بیشتر از کشورهای

در حال توسعه بود. در سال ۱۹۷۳ حجم خرید کشورهای در حال توسعه به ۶۰۶/۲ هزار بشکه در روز رسید که نسبت به سال ۱۹۶۲ رشدی حدود ۶۰۰ درصد داشت. در حالی که کشورهای پیشرفته طی سال ۱۹۷۳ بیش از هفت برابر کشورهای در حال توسعه واردات نفت از ایران داشتند. رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته مقارن با رشد تقاضای انرژی و واردات روز افزون

نیدر و کر بوره های نفتی بود.<sup>(۳۶)</sup>

در دومین دوره زمانی (۱۹۷۴-۷۸) کشورهای پیشرفته در سال ۱۹۷۴ معادل ۲۵۲۵/۱ هزار بشکه در روز از ایران نفت خریداری کردند. این رقم در سال ۱۹۷۸ به ۳۸۰۴/۳ هزار بشکه در روز رسید. طی مدت مشابه کشورهای

اروپای شرقی در سال های ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به ترتیب معادل ۱۰۲۸/۵، ۱۱۷۴/۴، ۱۲۷۱/۷ و ۱۳۲۷/۷ هزار بشکه در روز و کشورهای آمریکای لاتین در سالهای ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به ترتیب ۳۵۲/۴، ۴۱۷/۴، ۴۴۳/۳ و ۲۲۶/۳ هزار بشکه در روز نفت از ایران خریداری کردند.<sup>(۳۷)</sup>

### ■ خریداران نفت ایران در دوره ۱۳۶۸-۱۳۵۸

اولین شوک نفتی در سال ۱۹۷۳ بوقوع پیوست و بدینال آن قیمت نفت با چهار برابر شدن از بشکه ای ۲/۸۰ دلار در سال ۱۹۷۳ به حدود ۱۲/۳۵ دلار در سال ۱۹۷۴ ترقی کرد. پس از آن تقریباً به مدت پنج سال (۷۸-۱۹۷۴) قیمت ها تغییر چندانی نیافت. تا آنکه در آوریل سال ۱۹۷۹ (فروردین سال

۱۳۵۸) به بشکه ای ۱۵/۱۲ دلار و در آوریل سال ۱۹۸۰ (فروردین سال ۱۳۵۹) به حدود ۳۰ دلار در هر بشکه رسید. به طوری که بهای متوسط نفت خام اوبك در سال ۱۹۸۰ نسبت به سال ۱۹۷۹ حدود ۶۵٪ و در مقایسه با سال ۱۹۷۸ حدود ۱۴۰٪ افزایش یافت.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و قطع کامل صادرات نفت ایران از اواخر سال ۱۹۷۸ (دی ماه ۱۳۵۷) تا اوایل مارس سال ۱۹۷۹ (اواسط اسفند سال ۱۳۵۷) عرضه نفت ایران به بازار بین المللی به میزان ۵ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. پس از انقلاب تصمیم دولت مبنی بر کاهش قابل توجه

فروش نفت (درحد نیاز ارزی کشور) باعث کاهش روزانه ای معادل ۲/۱ میلیون بشکه در عرضه جهانی نفت شد.

ابتدا چین به نظر می رسید که کاهش میزان نفت صادراتی ایران، بازارهای جهانی نفت را با کمبود عرضه مواجه سازد. اما شرکتهای بزرگ نفتی مانند

صدور مجدد آغاز و اولین محموله نفت خام ایران در ۱۴ اسفند سال ۱۳۵۸ (پنجم مارس ۱۹۷۹) با گری و کلیه فروشهای نفت خام در ماه مارس ۱۹۷۹ به صورت تک محموله فروخته شد.

میزان فروش نفت از ۱۵ الی ۳۱ مارس ۱۹۷۹ به حدود ۱/۵ میلیون بشکه در روز بالغ شد. چون عرضه تمام نفت خام موجود به خریداران به صورت تک محموله عملی نبود. طی ماههای آوریل تا دسامبر ۳۳۱ خریدار از ۱۶ کشور مختلف برای تحویل حدود ۲/۶ میلیون بشکه در روز قراردادهایی منعقد شد. قیمت‌های رسمی نفت خام در ابتدای سال ۱۹۷۹ در سطح ۱۳ دلار در هر بشکه قرار داشت ولی در انتهای سال به سطح ۲۸ دلار در هر بشکه رسید و به موازات فروش نفت خام بصورت قراردادی فروش به صورت تک محموله ادامه یافت.

به دنبال قطع صدور نفت خام به آمریکا از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹، برای فروش سهمیه نفت خام شرکتهای آمریکایی به سایر خریداران اقداماتی بعمل آمد و قراردادهایی منعقد شد.

با توجه به نیازهای ارزی کشور به موازات فروش قراردادی نفت، با پارهای از اعضای کنسرسیوم قراردادهایی مشابه خریداران عادی منعقد شد که در ازای آن، اعضای کنسرسیوم موافقت خود را نسبت به کان لم یکن نمودن قرارداد کنسرسیوم کتبا اعلام کردند.<sup>۳۳</sup>

از سال ۱۳۵۸ به بعد وضعیت کلی خریداران نفت ایران به ترتیب زیر بود:

- ۱- وضعیت ۹ کشور مهم اروپای غربی (اعضای E. E. C فرانسه، ایتالیا، آلمان غربی، بلژیک، هلند، لوگزامبورگ، دانمارک، انگلستان و ایرلند جنوبی) پس از قطع صادرات نفت ایران بواسطه بیروزی انقلاب تا حدودی بحرانی و آشفته شد. خرید این کشورها در سال ۱۹۷۸ از ایران ۱/۶ میلیون بشکه در روز بود که در سال ۱۹۷۹ به حدود ۶۷۰ هزار بشکه رسید.
- در این میان آلمان غربی بزرگترین خریدار نفت ایران و در نتیجه آسیب پذیرترین آنها بود. سوئد، دانمارک و هلند به ترتیب ۲۳، ۲۷ و ۲۲ درصد از نفت مورد نیاز خود را از ایران تأمین می کردند. در سال ۱۹۷۹ انگلستان با وجود استخراج نفت دریای شمال روزانه حدود ۶۵ هزار بشکه از ایران نفت وارد می کرد.

آفریقای جنوبی که ۹۰٪ از نفت خود را مستقیم یا غیرمستقیم از ایران دریافت می داشت، پس از قطع صدور نفت ایران مجبور به استفاده از آبنارهای نفتی خود و یا خرید از بازار تک محموله شد و همچنین اقدام به خرید نفت از عربستان و تعدادی دیگر از تولیدکنندگان کرد.

اسرائیل نیز جزء کشورهایی بود که شدیداً آنگاه به نفت ایران داشت. اما می توان گفت که در مقایسه با سایر کشورها، اسرائیل از تغییر سیاست نفتی ایران کمتر سدمه دید. زیرا برطبق قرارداد سال ۱۹۷۵ (Second Sinai Disengagement) آمریکا متعهد شده بود که در صورت بروز بحران، کمبود نفت این کشور را جبران کند.

● ۲- کلیه خریداران اروپای شرقی به روابط نفتی خود همچنان ادامه دادند.

● ۳- تمامی خریداران آسیایی از جمله پاکستان و ترکیه به استثنای فیلیپین روابط خود را همچنان حفظ کردند.

کشورهای زیر نیز بتدریج در زمره خریداران نفت ایران درآمدند:

کره جنوبی از سال ۱۹۷۹

کره شمالی و پالا بنگاه کره جنوبی از سال ۱۹۸۰

سوریه از سال ۱۹۸۲

روابط نفتی با فیلیپین تنها در سال ۱۹۷۹ با تحویل مقادیری نفت خام برقرار ماند که بدینال آن از سال ۱۹۸۰ جزء مقاصد متنوعه حمل اعلان و صادرات به آن متوقف شد.

سهم کشورهای آسیایی از صادرات نفت خام ایران از ۱۰/۶٪ در سال ۱۳۵۸ به ۳۳/۶٪ در سال ۱۳۵۹ رسید، سهم کشورهای بلوک شرق از ۸/۷ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۱۵/۷٪ در سال ۱۳۵۹ افزایش یافت.

● ۴- تمامی خریداران ژاپنی روابطشان ادامه یافت و شرکتهای «سی انیو»، «ماروبتی»، «یدشیم» و «میتومو» به جمع آنان پیوستند.

ژاپن به عنوان یک کشور عمده مصرف کننده نفت که حدود ۹۹/۷٪ از نفت

جدول شماره ۵: تعهدات فروش نفت خام توسط شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۹۷۸.

نوع معامله	مقدار قرارداد (هزار بشکه در روز)	درصد
تعهدات نظامی	۳۲۸	۱۹/۵
پروژه های صنعتی	۱۳۶	۸
اسرائیل	۹۶	۵/۵
خط لوله ترانزیت اسرائیل	۳۱۲	۱۸/۵
مشارکت پالا بنگاه	۶۲	۳/۵
اروپای شرقی	۹۸	۵/۵
شرکتهای مختلف نفتی	۳۲۲	۱۹
شرکتهای دولتی	۳۲۹	۲۰/۵
جمع	۱۷۰۵	۱۰۰

● ملاحظه کنید که علی اکبر ملاحطانی درباره فعالیتهای نفتی ایران پس از انقلاب، نشریه تجسن نفت ایران، شماره ۷۸، ص ۱۶، ۱۷.

جدول شماره ۶: صادرات نفت خام ایران طی سالهای ۱۳۶۷-۱۳۶۴

سال	صادرات نفت خام (بشکه در روز)	ارزش صادرات (دلار)
۱۳۶۲	۱۳۳۶۹۲۷	۲۲۵۴-۴۵۱۶۹
۱۳۶۵	۱۲۵۳۲۲۹	۵۸۱۵۵۲۸۲۴۴
۱۳۶۶	۱۵۴۶۱۸۸	۹۳۶۹۵۱۲۸۸۶
۱۳۶۷	۱۶۱۳۹۲۴	۲۳۲۹-۸۸۹۸۶

● ملاحظه وزارت نفت، گزارش صلیبات، طرح ها و پروژه های وزارت نفت ایران، روابط عمومی وزارت نفت، ۱۳۶۷، ص ۱۱.

مصرفی خود را از طریق واردات تأمین می کند. عمده ترین کشور خریدار نفت خام ایران از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۶۳ بوده است. به طوری که سهم این کشور در صادرات نفت ایران از ۲۲/۱٪ در سال ۱۳۴۴ به ۲۹/۷٪ در سال ۱۳۴۹ افزایش یافت. سپس از این سهم کاسته شد و به ۱۸٪ در سال ۱۳۵۷ رسید. در سال ۱۳۵۸ بر میزان سهم صادرات نفت به ژاپن افزوده شد و به ۲۲/۶٪ کل صادرات نفت رسید. در سال ۱۳۵۹ به دلیل شرکت ژاپن در تحریم نفتی ایران سهم آن به پانزدهمین حد خود در سالهای مورد بررسی (۱۱/۵٪) رسید. سپس در سال ۱۳۶۰ به ۱۲/۵٪ در سال ۱۳۶۱ نیز به ۱۲/۶٪ رسید. در سال ۱۳۶۲ بار دیگر رو به افزایش گذاشت و به ۲۰/۲٪ و در سال ۱۳۶۳ با کاهش مجدد به ۱۶/۷٪ رسید.

در زمان قطع صادرات نفت ایران، ژاپن نسبت به سایر اعضا O. E. C. D صدمه بیشتری دید.

● شدایدی از شرکتهای آمریکایی به جمع خریداران آمریکایی پیوستند و در مجموع روابطشان تا قطع صدور نفت خام به آمریکا در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸) ادامه یافت. این شرکت ها عبارت بودند از:

«کالتکس»، «چارتر»، «اکسون»، «گلف»، «هالیورن»، «موبیل»، «مابکوه»، «نکزاگو»، «پونوکوه»، «لیوآردپترولیوم»، «آف شور»، «پکتن»، «ماراتون» و «ویکروز».

خرید کمپانی های نفتی آمریکایی از ایران در نیمه اول سال ۱۹۷۸ بالغ بر ۸۸۵ هزار بشکه در روز یعنی ۵٪ از کل مصرف داخلی آن کشور بود. در سال ۱۹۷۹ متوسط فروش نفت ایران به کمپانی های مزبور در حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز بود.

● کس از ژاپن، کشورهای اروپای غربی عمده ترین خریداران نفت ایران تاکنون بوده اند. سهم اروپای غربی از ۵/۲٪ در سال ۱۳۴۴ به ۲۲/۹٪ در سال ۱۳۴۹ رسید و سپس به طور مستمر افزایش یافت و به ۵۲/۸٪ در سال ۱۳۵۵ رسید. در فاصله سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ بجز در سال ۱۳۵۷ و ۱۳۶۰



## سیاسی-اقتصادی

■ مقایسه میزان استخراج نفت در دوره ۱۳۵۶-۱۳۵۲ (۱۰/۵ میلیارد بشکه) با مجموع تولید ۵۶ سال پیش از آن (۱۶/۶ میلیارد بشکه) بسیار سرعت تخلیه منابع نفتی ایران در مدتی کوتاه است.

■ با اولین شوک نفتی، قیمت نفت از بشکه ای ۳/۸ دلار در سال ۱۹۷۳ به ۱۲/۳۵ دلار (برابر ۴) در سال ۱۹۷۴ و پس از آن به ۱۵/۱۲ دلار در سال ۱۹۷۹ و ۳۰ دلار در سال ۱۹۸۰ افزایش پیدا کرد.

■ با پیروزی انقلاب، قرارداد کنسرسیوم ملغی اعلام شد و از ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۷ شرکت ملی نفت ایران کلیه امور صنعت نفت را در اختیار گرفت.

توزیل بی سابقه بازار نفت خام در سه ماهه دوم سال ۱۳۶۰ و پائین بودن قیمت رسمی فروش نفت عربستان سعودی، سقوط قیمت تک محموله را از رقمی حدود ۴۰ دلار به ۳۱ دلار در هر بشکه به دنبال داشت و سبب شد تا خریداران و مشتریان عمده نفت خام ایران از اجرای قراردادهای خود امتناع ورزیدند. به عنوان مثال می توان از شرکت های ژاپنی طرف قرارداد نام برد که حدود ۲۵٪ از برداشت های خود را کم کرده و پس از انقضای قراردادها فقط پنج شرکت به تمدید آن قراردادها برای مدت ۳ ماه پرداختند تا در صورت بهبود بازار نسبت به برداشت خود اقدام کنند. شرایط مزبور سبب شد تا در صادرات نفت خام از رقم متوسط ۱/۰۶۸ میلیون بشکه در ژوئن سال مزبور به ترتیب به ارقام متوسط ۵۹۱،۷۲۸، ۶۲۰ و ۳۲۰ هزار بشکه در ماههای ژوئیه تا اکتبر همان سال سقوط کند.

با تصمیم اعضای اوپک برای تثبیت قیمت ها در سطح ۳۴ دلار هر بشکه برای نفت خام عربستان از نوامبر سال ۱۹۸۱ و سپس با تشکیل کنفرانس وزرای اوپک در اوبوئی (دسامبر ۱۹۸۱) قیمت رسمی فروش نفت خام به ۳۲/۲۰ و ۳۲/۳۰ دلار در هر بشکه برای نفت خام سبک و سنگین ایران از ژانویه ۱۹۸۲ کاهش یافت که متعاقباً سبب شد تا مشتریان نسبت به برداشت های قراردادی خود علاقه بیشتری نشان داده و سطح صادرات از مقدار متوسط ۴۵۲ هزار بشکه در ماه نوامبر موقتاً به طور موقتی به ۱/۰۹ و ۱/۰۸۵ میلیون بشکه در روز در ماههای بعد افزایش یابد. در این ارتباط با توجه به موقعیت بد بازار و کاهش روزافزون قیمت های معاملاتی نفت خام ایران در

سه ماه صادرات ایران به اروپای غربی کاهش یافت. در پی تحریم خرید نفت ایران از سوی کشورهای اروپای غربی، میزان سهم آنها از صادرات نفت خام ایران پائین آمد و از ۳۹/۴٪ در سال ۱۳۵۸ به ۳۶/۴٪ در سال ۱۳۵۹ رسید.

با قطع روابط سیاسی و اقتصادی ایران و آمریکا در سال ۱۳۵۸ که بدنبال اشغال سفارت آمریکا در ایران صورت گرفت، دولت ایران فروش نفت به شرکت های آمریکایی (۱۸ شرکت) را متوقف کرد.

متوسط فروش نفت ایران به این ۱۸ کمپانی طی ۸ ماهه اول سال ۱۳۵۸ یعنی از ابتدای سال تا تاریخ قطع فروش نفت ایران به شرکت های مزبور روزانه حدود ۸۰۰ هزار بشکه بود که از این مقدار حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز برای تأمین مصارف داخلی آمریکا اختصاص می یافت. قسمتی نیز به پالایشگاه های وابسته در کشورهای اروپایی و آسیایی تحویل می شد و بقیه در بازار تک محموله به قیمت بالاتری به فروش می رسید.

به طور کلی ۱۲ شرکت ژاپنی تا قبل از تاریخ تحریم اقتصادی، حدود ۸۰٪ از احتیاجات نفتی ژاپن را از ایران دریافت می کردند، با این موقعیت، ژاپن در بین خریداران نفت ایران بدترین شرایط را برای جبران کمبود نفت ایران دارا بود. البته این کشور در سال ۱۹۸۰ تا حدودی در امر صرفه جویی موفق بود و توانست حدود ۴۰۰ هزار بشکه از کمبود نفت ایران را از طریق مکزیک و سایر اعضا اوپک جبران کند. همزمان با تعلیق قرارداد نفتی ایران و ژاپن، صادرات نفت خام ایران به دو شرکت Shell و B.P. قطع شد. این دو شرکت تا قبل از آوریل ۱۹۸۰ جمعاً ۲۷۰ هزار بشکه در روز نفت خام و حدود ۸۰ هزار بشکه نفت کوره از ایران دریافت می داشتند. (سهم B.P. ۱۵۰، هزار بشکه و Shell حدود ۱۲۰ هزار بشکه نفت خام بوده و هر یک حتی تا قبل از شروع جنگ ایران و عراق به میزان ۴۰ هزار بشکه در روز نفت کوره از ایران خریداری می کردند. با اعلان تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا، ژاپن و کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا نیز در تحریم اقتصادی ایران شرکت جستند.

در چنین شرایطی این واقعیت که صنعت نفت ایران تنها قادر به فروش نفت خام، آنهم به خریداران عمده دارای ارزهای قوی است و از سوی دیگر تأمین مواد اولیه، قطعات و ماشین آلات مورد نیاز صنایع وابسته کشور، جز از طریق واردات از کشورهای پیشرفته سرمایه داری، چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم - ممکن نیست، بیش از پیش آشکار شد.

قراردادهای فروش نفت و قراردادهای نهاتری در بحرانی ترین سالها (۱۳۵۹ و ۱۳۶۰) تنها توانست حداقل امکان خرید از خارج را در اختیار ایران بگذارد. \* روابط با شرکت دولتی نفت برزیل «پتروبراس» همچنان حفظ شد و به شرکت دولتی نفت شیلی «اناب» تنها طی سال ۱۹۷۹ مقداری نفت خام تحویل و سپس از سال ۱۹۸۰ روابط با آن قطع شد.

شروع جنگ ایران و عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) موجبات کاهش بیشتری در میزان فروش نفت خام ایران را فراهم آورد و سطح آن را به حدود ۸۳۰ هزار بشکه در روز تقلیل داد.

جدول شماره ۷: توزیع جغرافیایی خریداران نفت ایران در کشورهای آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین و اروپای شرقی (۱۳۵۸-۶۷)

سال	کشورهای آسیایی بجز ژاپن		کشورهای آمریکای لاتین		درصد کشورهای آفریقایی		اروپای شرقی		کل صادرات ایران
۱۳۵۸ (۱۹۷۹)	۶۸/۱	۸/۵۴	۳۷۳	۱/۵۴	۲۸/۵	۱/۱۸	۶۲/۷	۴/۶۴	۲۴-۷
۱۳۵۹ (۱۹۸۰)	۱۵۸/۱	۵۶/۵	۷/۰-۹	۷/۰-۹	۴/۳	۰/۵۳	۹/۷	۱/۲۱	۷۹۶/۷
۱۳۶۰ (۱۹۸۱)	۱۵۸/۱	۶۷/۳	۹/۴۶	۹/۴۶	۵/۱	۰/۷۱	۱۱/۵	۱/۶۰	۷۱۴/۶
۱۳۶۱ (۱۹۸۲)	۳۳۰/۳	۷۷/۱	۴/۷۲	۴/۷۲	۶/۵	۰/۴۰	۷۶	۲/۶۸	۱۶۲۳/۲
۱۳۶۲ (۱۹۸۳)	۲۱۵/۸	۵۰	۲/۹۰	۲/۹۰	۶	۰/۳۴	۶۰	۳/۴۹	۱۷۱۸/۷
۱۳۶۳ (۱۹۸۴)	۲۵۹/۸	۱۴	۰/۹۱	۰/۹۱	۱۵	۰/۹۸	۸۵	۵/۵۸	۱۵۲۱/۸
۱۳۶۴ (۱۹۸۵)	۳۳۰/۹	۲۰	۲۱/۰-۹	۲۱/۰-۹	۲۵	۱/۵۹	۹۵	۶/۰۵	۱۵۶۸/۳
۱۳۶۵ (۱۹۸۶)	۳۴۰/۶	۲۳/۴۲	۲۵	۱/۷۱	۲۵	۲/۴۰	۹۵	۰/۰۶	۱۴۵۲
۱۳۶۶ (۱۹۸۷)	۳۷۲	۱۶/۰-۲	۱۰	۰/۵۸	۲۵	۰/۰۱	۱۰۰	۵/۸۴	۱۷۱۰
۱۳۶۷ (۱۹۸۸)	۳۰۷/۸	۱۸/۱۷	۶۵	۳/۸۳	۳۰	۱/۷۷	۱۸۰	۱۰/۶۲	۱۶۹۲

منبع:

Opec, Annual Statistical Bulletin, Vienna, 1980, 1985, 1989

## سیاسی-اقتصادی

بازارهای تک محموله بدلیل بالا رفتن شدید مخارج بیمه و کرایه حمل بواسطه جنگ بتدریج قیمت رسمی فروش نفت خام ایران کاهش یافت. لذا در فوریه همان سال قیمت در سطوح ۳۰/۲۰ و ۲۹/۳۰ دلار در هر بشکه جهت نفت خام سبک و سنگین ایران تثبیت شد.

در سال ۱۹۸۲ با اجرای سیاست «خرید کالا در برابر برداشت نفت خام» معاملات دوجانبه با کشورهای صنعتی شروع شد که به نوبه خودگامی در جهت پائین نیابردن قیمت رسمی بود. با اوج گرفتن حملات عراق به جزیره خارک، صادرات نفت خام به علت خودداری مشتریان از برداشت های قراردادی کاهش یافت. زیرا هزینه های اضافی بابت بیمه محموله و کرایه حمل در مقایسه با هزینه های جاری جهت سایر انواع نفت خام مشابه در خلیج فارس به حدود ۳/۵ دلار در هر بشکه بالغ شد. در چنین شرایط بنظور حفظ سطح صادرات، فروش نفت به صورت تک محموله صورت گرفت.

در پایان سال ۱۳۶۱ (م ۱۹۸۲) با انجام برداشتهای قراردادی توسط مشتریان عمده از میزان فروش تک محموله کاسته شد. اما در سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) با روانه شدن مقادیر معتنابهی از نفت خام های ذخیره شده در انبارهای شرکت چند ملیتی و کشورهای عمده مصرف کننده نفت خام، قیمت به شدت سقوط کرد. این عمل که با تیان کارتل های نفتی و کشورهای خلیج فارس و عرضه نفت ذخیره شده به میزان حدود ۴/۶ میلیون بشکه در روز صورت گرفت

با افزایش صادرات نفت خام ارزان روسیه شوروی به بازارهای اروپا شدت بیشتری یافت. به این ترتیب قیمت های رسمی فروش نفت خام در همه کشورهای اروپا از جمله ایران تحت فشار بی سابقه ای قرار گرفت که در مواردی منجر به معاملاتی حدود چند دلار کمتر از قیمت رسمی شد.

در سال ۱۳۶۲ برای مقابله با سقوط شدید قیمت ها و حملات هوایی عراقی به تاسیسات صادرات نفت در خارک جهت تامین ارز مورد نیاز کشور و حفظ آن تدابیری از قبیل حمل نفت به دهانه خلیج فارس در نزدیکی «لارک» و فروش نفت خام در نزدیکی بازارهای مصرفی به صورت «سیف» اتخاذ شد.

تعداد، نوع و حجم قراردادهای متعدد در سال ۱۳۶۶ نشانگر گسترش فعالیتهای بازاریابی و تغییر مناطق فروش نفت خام ایران است. به طوری که از ۱۸۹ قرارداد متعده در سال ۱۳۶۶ حدود ۷۰٪ آن با کشورهای جهان سوم بوده است. این نشانه توجه روزافزون ایران به همکاری های نفتی - اقتصادی با کشورهای در حال توسعه است.

با توجه به تقسیم مناطق فروش نفت ایران، افریقا، آمریکای لاتین و آسیا در طیف کشورهای جهان سوم خریدار نفت ایران قرار می گیرند. در این میان عمده ترین خریداران نفت خام ایران از میان کشورهای جهان سوم کشورهای منطقه آسیا هستند. در این منطقه طی پنج سال گذشته عمده ترین خریداران نفت ایران به ترتیب کشورهای ترکیه، هندوستان و پاکستان بوده اند.

### □ باورقی ها

- ۱) ج. باربر اقتصاد ایران (تهران: موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، ۱۳۶۲) ص ۲۲۷
- ۲) فواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران (تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲) ص ۵۹
- ۳) ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران (تهران: نشر نی، ۱۳۶۷) ص ۴۲۷
- ۴) همان منبع، ص ۲۲۸
- ۵) ابراهیم رزاقی، قراردادهای نفتی یا اسناد خیانت (تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۵۸) ص ۲۰-۲۱
- ۶) فواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران (تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۵۲) ص ۶۰
- ۷) شرکت ملی نفت ایران، کتاب سفید (تهران: انتشارات شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴) ص ۵
- ۸) همان منبع، ص ۶
- ۹) فواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران (تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲) ص ۶۶
- ۱۰) شرکت ملی نفت ایران، کتاب سفید (تهران: انتشارات شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴) ص ۶
- ۱۱) فواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران (تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۵۲) ص ۹۸
- ۱۲) همین منبع، کتاب سفید (تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۵۸) ص ۳۶-۳۷
- ۱۳) ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران (تهران: نشر نی، ۱۳۶۷)
- ۱۴) فواد روحانی، تاریخ ملی صنعت نفت ایران (تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲) ص ۲۱۴
- ۱۵) شرکت ملی نفت ایران - کتاب سفید (تهران: انتشارات شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴) ص ۱۶-۱۸
- ۱۶) ج. باربر، اقتصاد ایران (تهران: موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، ۱۳۶۲) ص ۲۵۰
- ۱۷) محمود قاسم زاده، اقتصاد نفت ایران (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۷) ص ۲۰۸
- ۱۸) همان منبع، ص ۲۴۱
- ۱۹) فتح الله سعادت، پژوهشی در مسائل نفتی ایران (تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵) ص ۱۲۷
- ۲۰) نونارد ماسلی، نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی (تهران: انتشارات رسام، ۱۳۵۷) ص ۴۶
- ۲۱) زهر مفداشی، تجزیه و تحلیل مالی امتیازات نفتی خاورمیانه، ترجمه سیروس ابراهیم زاده (تهران: انتشارات بیروز، ۱۳۵۲) ص ۲۳۷-۸
- ۲۲) منوچهر فرهنگ، زندگی اقتصادی ایران (تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۲) ص ۱۷۶-۱۷۷
- ۲۳) شرکت ملی نفت ایران، کتاب سفید (تهران: انتشارات شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴) ص ۸۰ و ۷۵
- ۲۴) منوچهر فرهنگ، زندگی اقتصادی ایران (تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۲) ص ۸-۱۷۷
- ۲۵) فواد روحانی، صنعت نفت ایران بیست سال پس از ملی شدن (تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲) ص ۳۸۸-۹
- ۲۶) ابراهیم رزاقی، قراردادهای نفتی یا اسناد خیانت (تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۵۸) ص ۶۹
- ۲۷) شرکت ملی نفت ایران، بازاریابی نفت خام (تهران: امور بین المللی وزارت نفت، ۱۳۶۲) ص ۶۸
- ۲۸) حسین اهری، قراردادهای نفتی، قیمت و درآمد نفت (تهران: چاپخانه کاروبان، ۱۳۴۹) ص ۳۳۶
- ۲۹) فواد روحانی، صنعت نفت ایران بیست سال پس از ملی شدن (تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۵۲) ص ۴۶۸
- 29) Opec, Annual Statistical, Bulletin, Vienna, 1962, 1965, 1969, 1973.
- 30) Ibid.
- ۳۱) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی های اقتصادی، بررسی تحولات اقتصادی پس از انقلاب، ص ۳۱۵
- ۳۲) بازار تک محموله (Spot Market)؛ معمولاً برای معاملات تک فروش بوده و هیچ وجه قراردادهای دراز مدت را شامل نمی شود. قیمت فروشهای تک محموله معمولاً روزانه تعیین می شود و عوامل اصلی تعیین کننده آن نیز شرکت های نفتی مهم بین المللی هستند. اما چنین وانمود می شود که قیمت های تک محموله دقیقاً به عرضه و تقاضای روزانه بازار جهانی نفت بستگی دارد. دهه ۱۹۸۰ شاهد افزایش معاملات تک محموله و نتیجتاً تغییر در ساختار جهانی نفت بوده است.
- ۳۳) وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، کشورهای صادر کننده نفت «اوپک» و دیدگاههای آینده، ص ۲۲
- ۳۴) نت بک (Net Back): نظام قیمت گذاری وابسته به بازار که قیمت نفت خام را براساس قیمت فرآورده های نفتی در مناطق مصرف به اضافه درصدی سود برای پالایش کننده تعیین می کند. چون قیمت گذاری در این روش توسط کشورهای مصرف کننده و بازار تعیین می شود، در واقع نقش قیمت گذاری را از اوپک سلب می کند.
- ۳۵) ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران (تهران: نشر نی، ۱۳۶۷) ص ۲۷۸، ۲۶۶
- ۳۶) علی اکبر معین فر، ملاحظاتی درباره فعالیتهای نفتی ایران پس از انقلاب، نشریه انجمن نفت ایران (شماره ۷۸، ص ۱۷-۱۸)
- ۳۷) شرکت ملی نفت ایران، بازاریابی نفت خام (تهران: امور بین المللی وزارت نفت، ۱۳۶۲) ص ۷۵

شماره ۷۰-۶۹ / صفحه ۹۶ خرداد و تیرماه ۱۳۷۲، سال هفتم، صص ۹۶-۸۸  
دوما هفتم ماه اطلاعات سیاسی-اقتصادی.